

بسمه تعالی

RTB.parsiblog.com

موسسه

رتبه‌های برتر
مدرسان برتر

اولین و بزرگترین مرجع
رتبه‌ها و مدرسان برتر

ابهر-اول ولیعصر-طبقه فوقانی بانک قوامین
۰۲۴۲-۵۲۳۰۴۲۶



معرفه و نکره:

معرفه، یعنی شناخته شده.

انواع معارف

- ۱- معرف به «ال»، مانند: الكتاب، الرجل و ...
- ۲- معرف به اضافه، مانند: کتابک، باب البيت، کتاب علي و ...
- ۳- ضمائر، مانند: هو، أنت، ک و ...
- ۴- اسم‌های علم، مانند: علی، ایران، أصفهان و ...
- ۵- اسم‌های اشاره، مانند: هذا، تلك، اولئك و ...
- ۶- موصولات، مانند: الذي، التي، الذين و ...

نکره، یعنی شناخته نشده.

اگر اسمی جزء انواع شش‌گانه‌ی معرفه نباشد، نکره است.

اگر مضاف‌الیه نکره باشد، مضاف هم نکره است و اگر معرفه باشد، مضاف نیز معرفه می‌باشد.

اسم‌های نکره تنوین می‌گیرند، اما تنوین دلیل نکره بودن نیست، زیرا اسامی علم نیز تنوین می‌گیرند که به آن «تنوین زینت» گفته می‌شود.

(سراسری تیرگی - ۹۰)

✓ عین «مَن» نکره:

- ۱ لا تعتمد علی من لا يستطيع أن يُنجي نفسه من المهلكة!
- ۲ إنما ينتفع بالتجارب من يعتبر منها و يجعلها نصب أعينه!
- ۳ إنما يجني ثمرات العمل في الشَّيب من سبق في زرعهِ عند الشَّباب!
- ۴ طلعت الشمس و ظهر الصَّبح، ولكن من بدرى هل يتَّصل هذا الصَّبح بليته!

پاسخ: گزینه‌ی «۴»، «مَن» استفهامی و شرطی نکره هستند که در این گزینه «مَن» استفهامی است. در سایر گزینه‌ها «مَن» موصول و معرفه است.

اعراب فرعی:

اسم مثنی: علامت‌های اعراب اسم مثنی به این صورت است: رفع: به جای «ا»، اعراب فرعی حرفی / نصب: به جای «حرف «ی»، اعراب فرعی حرفی / جر: به جای «ی»، اعراب فرعی حرفی

«نونی» که در آخر اسم مثنی وجود دارد، علامت اعراب نیست، این «نون» همواره حرکت کسره دارد و اگر اسم مثنی مضاف‌الیه داشته باشد حذف می‌شود.

مثال: معلّمک (معلّمان + ک) عالمان

* هر اسمی که آخر آن «ان» باشد اسم مثنی نیست، بلکه ممکن است اسم مفرد یا جمع مکسر باشد.

(فارغ از کشور - ۹۰)

✓ عین الخطأ:

- | | |
|---------------------------------|--|
| ۱. إحدى طرق وصولكم إلى الجنة. | ۲. والداکم و الخدمة الصادقة إليها. |
| ۳. فروحوا إليها و قبلوا بديهما. | ۴. و بینوا لهما شدة محبتکم و حاجتکم إليها! |

پاسخ: گزینه‌ی «۲»، «والداکم» مثنی است و «إليها» باید به صورت «إليهما» بیاید.

جمع مذکر سالم: جمع مذکر سالم با اضافه کردن «ون» و «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

علامت اعراب جمع مذکر سالم چنین است: رفع: به جای «حرف «و»، اعراب فرعی حرفی / نصب: به جای «حرف «ی»، اعراب فرعی حرفی / جر: به جای «حرف «ی»، اعراب فرعی حرفی

اسماء خمس: اسم‌های خمسه یا پنجگانه عبارت‌اند از: «أب، أخ، ذو، حم و فم» که «حم» و «فم» مختص گروه انسانی می‌باشند.

اعراب اسماء خمس در صورتی که مفرد باشند اعرابشان ظاهری اصلی است، اما اگر مضاف واقع شوند و یا مفرد نباشند، اعراب آن‌ها فرعی به حروف خواهد بود و در حالت رفعی با «واو»، در حالت نصبی با «الف» و در حالت جری با «یاء» مشخص می‌شوند، هم‌چنین اگر مضاف‌الیه آن‌ها «یاء» متکلم باشد اعرابشان تقدیری است. (مختص گروه انسانی)

مضاف:

مثال: جاء أخوک. رأیتُ أخاک. سلّمْتُ علی أخیک.

مفرد نباشند:

مثال: جاء أخوان. رأیتُ أخوین. سلّمْتُ علی أخوین.

جمع مؤنث سالم: هرگاه «ات» در اسمی زائد باشد، یعنی جزئی از مفرد آن نباشد، جمع مؤنث است در غیر این صورت جمع مکسر می‌باشد.

در جمع مؤنث سالم، کسره علاوه بر علامت جر بودن، علامت نصب نیز هست، یعنی جمع مؤنث سالم

فتحه و تنوین فتحه را نمی‌پذیرد.

سَلَمْتُ عَلٰی بَنَاتٍ.

رَأَيْتُ بَنَاتٍ.

مثال: جَاءَتْ بَنَاتٌ.

غیر منصرف: در زبان عربی به اسم‌هایی که تنوین می‌گیرند، «منصرف» و به اسم‌هایی که تنوین نمی‌گیرند، «غیرمنصرف» می‌گویند.

اسم غیرمنصرف در زبان عربی دارای مواردی خاص است:

- ۱- اسم مذکر علم عجمی (غیرعربی): ابراهیم، یوسف، میکائیل، جبرئیل، فرامرز و ...
 - ۲- اسم علم مؤنث اعم از مؤنث لفظی و مؤنث معنوی: معاویه، مریم، فاطمه و ...
 - ۳- اسم شهرها و کشورها: طهران، ایران، مکه و ...
 - ۴- صفات بر وزن «أفعل» (چه صفت مشبّهه باشد و چه اسم تفضیل): أحمر، أحرق، أحمد، أكبر و ...
 - ۵- اسم‌های ممدود و مقصور که «الف» آن‌ها زائد باشد (جزء حروف اصلی کلمه نباشد): کبری، دنیا، علماء، زهراء و ...
 - ۶- جمع بر وزن «مفاعیل» یا «مفاعیل» یا شبیه این دو: مکاتب، اکابر، مصایح، قنادیل و ...
 - ۷- صفت و اسم علم که دارای «الف و نون» زائد باشد: عطشان، جوعان، قرحان، سلمان، شعبان، رمضان، سلیمان و ...
- نکته مهم:** اسم همه‌ی پیامبران غیرمنصرف است، غیر از: محمد (ص)، صالح، هود، لوط، نوح، شعیب، شیث (علیهم السلام) که منصرف هستند.

دو مورد استثناء وجود دارد که اسم غیرمنصرف در حالت جر نیز حرکت کسره می‌گیرد. (یعنی اعراب آن اصلی می‌شود):

- ۱- اگر اسم غیرمنصرف دارای «الف و لام» باشد و ۲- اگر اسم غیرمنصرف مضاف‌الیه داشته باشد.
- ✓ عَيْنَ علامة الإعراب فرعية في كلمة «أرفع»:
- ۱ ما شاهدت أرفع من شأن الصالحين عند الله! ۲ أرفع درجة علمية في جامعتنا كان لزميلتي!
- ۳ أرفع الدرجات التي أخذتها كانت أقل من درجتك! ۴ وجدته في مقام أرفع مما كنت أتوقع منه!

پاسخ: گزینه‌ی «۴»: کلمه‌ی «أرفع» صفت برای «مقام» است و چون غیرمنصرف است مجرور با فتحه یعنی اعراب فرعی می‌باشد. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: کلمه‌ی «أرفع» دارای اعراب اصلی است.

اعراب محلی و تقدیری:

اعراب محلی شامل کلیه‌ی کلمات مبنی می‌شود. مبنی کلمه‌ایست که با قرار گرفتن در جایگاه‌های مختلف اعرابی تغییری در آخر آن ظاهر نشود، از جمله: همه‌ی حروف، ضمائر، اسم‌های اشاره (به‌جز صیغه‌های مثنی)، اسم‌های موصول (به‌جز صیغه‌های مثنی)، اسم‌های شرط، اسم‌های استفهام، برخی از ظروف، همه‌ی صیغه‌های فعل ماضی، همه‌ی صیغه‌های فعل امر مخاطب، صیغه‌های ۶ و ۱۲ فعل مضارع و صیغه‌های بدون ضمیر فعل مضارع در صورتی که همراه «نون» تأکید باشند.

اعراب تقدیری اسم‌های معربی هستند که در هیچ یک از سه حالت رفع، نصب و جر علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند که شامل اسم منقوص (به‌جز حالت نصبی که اعرابش ظاهری اصلی است) و اسم مقصور می‌شوند.

اسم منقوص اسمی است که در انتهای آن «یاء» ماقبل مکسور باشد، مانند: قاضی، راضی و...

مثال: جاء القاضي. رأيت القاضي. سلمت على القاضي.

اسم مقصور اسمی است که در انتهای آن «الف» مقصوره باشد، مانند: موسی، کبری، دنیا و...

مثال: جاء الفتى. رأيت الفتى. سلمت على الفتى.

نکات مهم:

- ۱- تنوین اسم‌های منقوص (به جز حالت نصبی) و مقصور علامت اعراب به شمار نمی‌آیند.
- ۲- اگر اسم منقوص در حالت رفع و جرّ «ال» یا مضاف‌الیه نداشته باشد حرف «ی» از آخر آن حذف می‌شود و به جای آن تنوین کسره می‌گیرد همان‌طور که گفته شد این تنوین علامت اعراب نیست و اعراب آن هم‌چنان تقدیر است، مانند: قاضی
- ۳- اسم مقصور در صورتی که بدون «ال» باشد غالباً «الف» آن به تنوین فتحه تبدیل می‌گردد، مانند: هدی
✓ عين الفعل لا تظهر علامة الإعراب في آخره:
(سراسری ریاضی- ۹۱)

۱. النظم في الأمور يعين الإنسان ليبلغ مئاه سريعاً
۲. إن الذين يتخذون الشيطان ولياً، لا يرجي منهم الخير!
۳. إن اجتهد الإنسان في نيل أهدافه فسوف يحصل عليها!
۴. الإعجاز في القرآن هو أن يقع كل لفظ في مكانه المناسب!

پاسخ: گزینه‌ی «۲»، فعل مضارع منفی «لا يرجی» دارای اعراب تقدیری است و اعرابش ظاهر نمی‌شود. «يتخذون» فعل مضارع مرفوع به ثبوت «نون» اعراب فرعی است.

گزینه‌ی «۱»، «يُعَيِّنُ» فعل مضارع مرفوع به ضمه و فعل «لِيُبَلِّغَ» مضارع منصوب به فتحه است.

گزینه‌ی «۳»، «اجتهد» فعل ماضی و مبنی و «يَحْصُلُ» فعل مضارع مرفوع است.

گزینه‌ی «۴»، «يَقَعُ» فعل مضارع منصوب است.

وصف و اضافه:

صفت: صفت دارای دو نوع است: ۱- مفرد ۲- جمله

صفت مفرد باید از چهار جهت تابع موصوف خود باشد که عبارت‌اند از: اعراب، معرفه یا نکره بودن، جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) و تعداد (مفرد، مثنی و جمع)

اگر موصوف، جمع غیرعادل باشد، صفت به صورت مفرد مؤنث می‌آید. **مثال:** كتب قيمة. مدارس كبيرة.

صفت جمله یا جمله‌ی وصفیه جمله‌ای است که بعد از یک اسم «نکره» می‌آید و آن را توصیف می‌نماید. جمله‌ی وصفیه در زبان فارسی با کلمه‌ی «که» ترجمه می‌شود، هم‌چنین این جمله (مانند همه‌ی جملات) دارای اعراب محلی می‌باشد. **مثال:** جاء معلّمٌ يتكلمُ. «صفت و موصوف» را «نعت و منعوت» نیز می‌نامند.

(سراسری تجربی - ۹۱)

عين النعت جملة:

۱. الإنسان المؤمن لا يخون في أمانات الآخرين!
 ۲. هناك جلسة علمية فتغيرت ساعة الإمتحان!
 ۳. إن الجريدة الإسلامية لا تنشر إلّا الحقائق!
 ۴. إن للمؤمن أخلاقاً حسنة وهبها الله تعالى له!

پاسخ: گزینه‌ی «۴»، با توجه به این‌که جمله‌ی «وَهَبَهَا اللهُ...» برای اسم نکره‌ی «أَخْلَاقاً» صفت است و آن را توصیف کرده جمله‌ی وصفیه می‌باشد.

گزینه‌ی «۱»: «المؤمن» صفت مفرد است.

گزینه‌ی «۲»: «علمية» صفت مفرد است. در این گزینه آمدن «ف» مانع جمله‌ی وصفیه شدن «تغییرت» شده است.

گزینه‌ی «۳»: «الإسلامية» صفت مفرد است.

مضاف‌الیه: وقتی دو اسم کنار هم قرار گیرند و میان آن‌ها نسبتی واقع شود، مضاف و مضاف‌الیه هستند.

* مضاف‌الیه همیشه مجرور است.

* مضاف هیچ‌گاه «ال» و تنوین نمی‌گیرد.

* اسامی مثنی یا جمع مذكر سالم اگر مضاف واقع شوند «نون» از انتهای آن‌ها حذف می‌شود.

مثال: معلّمان المدرسة ← معلّما المدرسة
 مسلمون العالم ← مسلمو العالم

در زبان عربی بر خلاف زبان فارسی اگر اسمی هم‌زمان دارای صفت و مضاف‌الیه باشد، ابتدا مضاف‌الیه ذکر می‌شود، سپس صفت می‌آید.

مضاف نیز مانند موصوف نقش محسوب نمی‌شود.

اعراب فعل مضارع: ۱- رفع ۲- نصب ۳- جزم

مضارع مرفوع: وقتی قبل از فعل مضارع حروف ناصبه یا جازمه نیامده باشد، فعل مضارع مرفوع است و آخر آن ضمه (اعراب اصلی ظاهری) یا «ن» (اعراب ظاهری فرعی) دارد.

مضارع منصوب: وقتی قبل از فعل مضارع حروف ناصبه (أَنْ، لَنْ، كَيَّ، حَتَّى و لَ) بیاید انتهای فعل فتحه می‌گیرد و یا «نون» از آخر آن حذف می‌شود (به‌جز جمع‌های مؤنث که اعرابشان محلی است).

* «لَنْ» غالباً معنای فعل مضارع را به مستقبل فارسی تبدیل می‌کند و سایر حروف ناصبه معنای مضارع التزامی دارند.

مضارع مجزوم: وقتی قبل از فعل، عوامل جزم (لای نهی، لَمْ، لَمْ، لَمْ، لام امر، و ادوات شرط) بیاید، انتهای فعل ساکن می‌گیرد یا «نون» از آخر آن حذف می‌شود (به‌جز جمع‌های مؤنث که اعرابشان محلی است).

* «لَ» ناصبه معمولاً در وسط جمله می‌آید و به دومین فعل جمله وابسته است و معنای «تا، تا این‌که» می‌دهد، اما «لِ» امر با اولین فعل و در ابتدای جمله می‌آید.

* فعل مضارع مجزوم به «لَمْ» را می‌توان به‌صورت ماضی ساده‌ی منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه کرد.

✓ عَيْنُ اللام ناصبةً: (سراسری هنر- ۸۹)

۱. نَعْرِفْ مَا حَوْلَنَا حَتَّى نَسْلُطَ عَلَى أَنْفُسِنَا وَ عَلَى أَعْمَالِنَا! ۲. يَقُولُ لَنَا الْأُسْتَاذُ إِنَّنَا نَأْمَلُ غَدًا مُشْرِقًا لَشَعْبِنَا فَلْنَحَاوِلْ لَذَلِكَ!
۳. صَحْبُنَا أَصْدِقَاءُنَا إِلَى الْقَاعَةِ الْكُبْرَى لِنُشَارِكَ فِي فَرَحَةِ الْعِيدِ! ۴. تَنْتَهِيَا الْمَدْرَسَةَ لِلْإِحْتِفَالِ الْكَبِيرِ كَمَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْعَادَةُ كُلَّ عَامٍ!

پاسخ: گزینه‌ی «۳»: در فعل «لنشارك» برای این‌که مشارکت کنیم «حرف «لام»، ناصبه است.

گزینه‌ی «۱»: حرف «لام»، جازمه است. «لنعرف» باید بشناسیم

گزینه‌ی «۲»: حرف «لام» اول جاره است «لشعبنا»، زیرا بر سر اسم آمده است و حرف «لام» دوم جازمه است. «لنحاول» باید تلاش کنیم

گزینه‌ی «۴»: حرف «لام» جاره است «للاحتفال»، زیرا بر سر اسم آمده است.

✓ عَيْنُ حَرْفِ اللام يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي: (سراسری ریاضی- ۹۰)

۱. لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانُ أَنَّ الْعَقْلَ السَّلِيمَ مُصْلِحٌ لِكُلِّ الْأُمُورِ! ۲. لَا تُبْعِدْ نَفْسِي عَنِ الْغَضَبِ، حَاوَلْتُ كَثِيرًا!
۳. لَا أَجْعَلُ الْجُهْدَ نَصَبَ أَعْيُنِي حَتَّى أَصِلَ إِلَى هَدْفِي! ۴. لَتَنْجَبَ مُشَاوَرَةٌ كُلُّ مُشْفِقٍ جَاهِلٍ!

پاسخ: گزینه‌ی «۲»: «لام» در این گزینه، که بر سر فعل «أبعد» آمده «لام» نصب است. (بسیار تلاش کردم تا خودم را از خشم دور کنم).

گزینه‌ی «۱»: حرف «لام» که بر سر فعل «يَعْلَم» آمده، «لام» جزم است. (انسان باید بداند که عقل سالم اصلاح‌کننده‌ی همه‌ی امور است). حرف «لام» که بر سر «لكل» آمده، حرف جر است و با «لام» مورد نظر اختلاف نوع دارد.

گزینه‌ی «۳»: حرف «لام» که بر سر فعل «أجعل» آمده، «لام» جزم است. (باید تلاش را در مقابل دیدگانم قرار دهم تا به هدفم برسم).

گزینه‌ی «۴»: حرف «لام» که بر سر فعل «تجنب» آمده «لام» جزم است. (باید از مشورت کردن با هر دلسوز نادانی دوری کنیم).

فعل شرط و جواب شرط:

ادوات شرط عبارت‌اند از «إِنْ، مَنْ و مَا» که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم می‌کنند، فعل اول، «فعل شرط» و فعل دوم «جواب شرط» است.

ادوات شرط بر سر فعل ماضی نیز می‌آیند، اما چون فعل ماضی مبنی است، اعرابش محلاً مجزوم می‌باشد، هم‌چنین فعل شرط به‌صورت مضارع التزامی و جواب شرط به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود. فعل ماضی نیز در جمله‌ی شرطیه می‌تواند به‌شکل مضارع ترجمه شود.

✓ عین ما لیس فیہ أسلوب الشرط: (فارغ از کشور-۸۸)

۱ من يتحملوا المشاكل في حياتهم ينالوا آمالهم. ۲ من يترك الحرص و الطمع يعيش في أمن و راحة. ۳ من يكن لا تقاً في أموره يصل إلى الدرجات العالية. ۴ من ينفق أمواله في سبيل الله و يساعد الناس بإنفاقه.

پاسخ: گزینه‌ی «۴» در این گزینه، برخلاف گزینه‌های دیگر در شمار ادوات شرط نیست، بلکه اسم استفهام است. شایان ذکر است که در سه گزینه‌ی دیگر، فعل شرط و فعل جواب شرط به‌صورت مجزوم ملاحظه می‌شوند، حال آن‌که گزینه‌ی «۴» در بردارنده‌ی یک فعل مضارع مرفوع و یک فعل مضارع مرفوع معطوف با حرف «واو» است.

معلوم و مجهول:

معلوم: هنگامی است که فاعل در جمله ذکر شود.

مجهول: هنگامی است که فاعل در جمله ذکر نشود و به‌جای آن مفعول به، مرفوع شده و به‌عنوان نایب فاعل در جمله حاضر می‌شود.

برای مجهول کردن ماضی، عین الفعل را مکسور و کلیه‌ی حروف متحرک قبلی را مضموم می‌کنیم.

برای مجهول کردن مضارع، عین الفعل را مفتوح و حرف مضارعه را مضموم می‌کنیم.

* اگر در فعل ماضی، حرف اول مضموم باشد اصولاً مجهول است، ولی اگر حرف مضارعه در فعل مضارع مضموم باشد لازم است که به حرف ماقبل آخر آن توجه کنیم. در صورتی که این حرف «الف» بوده و یا دارای فتحه باشد فعل مضارع، مجهول و در غیر این صورت فعل، مضارع معلوم است، مانند فعل‌های «يُكْرِم و يُجَاهِد» که معلوم‌اند نه مجهول.

* از فعل «لازم» و فعل «امر» نمی‌توان مجهول ساخت.

تبدیل جمله‌ی معلوم به مجهول

۱- حذف فاعل. ۲- مطابقت دادن فعل از نظر مذکر یا مؤنث بودن با مفعول جمله‌ی معلوم. (اگر مفعول جمع مکسر غیرعاقل باشد فعل مجهول به‌صورت مفرد مؤنث آورده می‌شود). ۳- مجهول کردن فعل ۴- مرفوع نمودن مفعول جمله‌ی معلوم به‌عنوان نایب فاعل جمله‌ی مجهول. ۵- اگر فعل بیش از یک مفعول به داشته باشد فقط مفعول به اول را به‌عنوان نایب فاعل مرفوع می‌کنیم و مفعول به دوم به همان شکل منصوب وارد جمله‌ی مجهول می‌شود. ۶- اگر مفعول جمله، ضمیر متصل باشد، این ضمیر در فعل مجهول به ضمیر متصل رفعی معادل تبدیل می‌شود.

✓ عین المبنی للمجهول: (سراسری هنر- ۹۱)

۱ لیبار المسلم بهتذیب نفسه قبل غیره! ۲ إِنْ الْمُؤْمِنُ لَا يَجَالِسُ الشَّيْطَانَ لِأَنَّهُ شَرٌّ مَخْلُوقٌ! ۳ لَمْ يَسْمَعْ صَوْتَكَ لِأَنَّكَ كُنْتَ بَعِيداً عَنَّا! ۴ أَطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ (ص) وَ لَا تُسَلِّمْ أَمَامَ الظَّالِمِينَ!

پاسخ: گزینه‌ی «۳» فعل «لَمْ يَسْمَعْ» به معنی «شنیده نشد، شنیده نشده است»، فعل مضارع مجهول مجزوم به حرف «لَمْ» است که کلمه‌ی «صوت»، نایب فاعل آن می‌باشد.

در سایر گزینه‌ها، فعل‌های «لِيُبَادِرَ، لَا يُجَالِسُ و أَطِيعُ» فعل‌های معلوم هستند.

(سراسری زبان - ۹۱)

✓ عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي يُمكن أَنْ يُبْنَى لِلْمَجْهُولِ:

۱. تَتَزَيَّنَ حَدِيقَتُنَا بِاللِّبَاسِ الْجَمِيلِ الْمَلَوَّنِ، ۲. وَلَهَا أَزْهَارٌ كَثِيرَةٌ تَفُوحُ رَائِحَتُهَا فَتَشْعُرُ بِاللَّذَّةِ عِنْدَ رُؤْيَيْهَا،
۳. وَتَتَمَتَّعُ بِهَا عَيُونُنَا فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ، ۴. وَتَحْفَظُنَا أَشْجَارُهَا مِنْ أَشْعَةِ شَمْسِ الصَّيْفِ الْمَحْرِقَةِ!

پاسخ: گزینه‌ی «۴»: «تَحْفَظُ» فعل متعدی و مفعول به آن «نا» است، پس امکان ساخت مجهول از آن وجود دارد.

گزینه‌ی «۱»: «تَتَزَيَّنَ» فعل لازم است و مجهول نمی‌شود.

گزینه‌ی «۲»: «تَفُوحُ» و «نَشْعُرُ» فعل لازم هستند و مجهول نمی‌شوند.

گزینه‌ی «۳»: «تَتَمَتَّعُ» فعل لازم است و مجهول نمی‌شود.

افعال ناقصه:

افعال ناقصه که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از «کان، لیس، أصبح، مادام و صار» بر سر جمله‌ی اسمیه وارد شده، مبتدا را به عنوان اسم خود مرفوع نگه داشته و خبر را به عنوان خبر خود منصوب می‌کنند.

مثال: كان الجوُّ ماطرًا. أصبح الصَّدَقُ أنْفَعَ التَّجَارَةِ.

ضمایر متصل رفعی اگر با افعال ناقصه همراه شوند، اسم آن‌ها و محلاً مرفوع‌اند.

مثال: ما دُمْتُما ناجِحَتَينِ. أصبحنا متقدِّمين.

اسم افعال ناقصه غالباً در وسط جمله و به شکل ضمیر مستتر یا بارز می‌آید.

مثال: و كان مؤمناً بالله. المؤمنون كانوا بعيدين عن التكاسل.

* خبر افعال ناقصه به سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می‌آید.

مثال: كانت الغابة جميلة. كانت الفلاحة تعمل في الحديقة. ليس على المنضدة كتاب.

* کان + فعل مضارع: ماضی استمراری فارسی، **مانند:** کان یقول: می‌گفت

* کان + قد + فعل ماضی: ماضی بعید فارسی، **مانند:** کان قد قال: گفته بود

حروف مشبَّهة بالفعل:

حروف مشبَّهة بالفعل که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ و لَعَلَّ» بر سر جمله‌ی اسمیه وارد شده، مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب کرده و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع نگه می‌دارند.

مثال: إِنَّ الْجَوَّ مَاطِرٌ. كَأَنَّ السَّمَاءَ سَقْفٌ مَرْفُوعٌ.

ضمایر متصل نصبی و جرّی اگر به حروف مشبَّهة بالفعل متصل شوند، اسم آن‌ها و محلاً منصوب‌اند.

مثال: لَكُنْهَا طَالِبَةٌ مُجَاهِدَةٌ.

* خبر حروف مشبَّهه بالفعل نیز به سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می آید.

مثال: إِنَّ الْغَايَةَ جَمِيلَةٌ. لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ. إِنَّ التَّلْمِيذَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

«إِنَّ» در ابتدای جمله و «أَنَّ» در وسط جمله می آید.

ترجمه‌ی «إِنَّ» در ابتدای جمله، به جز در آیات قرآن، الزامی نیست.

✓ عَيْنَ الصَّحِيحِ (فی علامات الإعراب): (سراسری تپری- ۸۷)

۱. إِنَّ مَدِيرَاتِ الْمَدَارِسِ سَمِعْنَ أَصْوَاتَ التَّلْمِيذَاتِ! ۲. كَانَ أَبِي وَصَدِيقُهُ مَوْظَفَانِ لَاتِقَانِ فِي شَرَكْتَهُمَا!
۳. كُنْتُ أَنَا أَوَّلَ مَنْ قَبَلَ حُكْمَ الْحَكَمِيِّينَ فِي هَذِهِ الْمَسَابَقَةِ! ۴. يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَ حِجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فِي شَهْرِ ذَوِ الْحِجَّةِ!

پاسخ: گزینه‌ی «۳»: کلمه‌ی «الْحَكَمِيِّينَ» مضاف الیه و مجرور به «ی» است.

گزینه‌ی «۱»: «اصوات» نادرست است. / گزینه‌ی «۲»: «موظفان لاتقان» نادرست است. / گزینه‌ی «۴»: «ذو» نادرست است.

«لَا»ی نفی جنس:

«لَا»ی نفی جنس بر سر جمله‌ی اسمیه وارد می شود و اسم خود را که نکره است و در اصل مبتدا بوده به صورت مبنی بر فتح و محلاً منصوب کرده و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع نگه می دارد.

مثال: لَا شَيْءَ أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

* خبر «لَا»ی نفی جنس به سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می آید.

مثال: لَا مَخْلُوقَ مُعْبُودٍ. لَا نَصِيحَةَ تَنْفَعُ الْعَوْدَ. لَا تَلْمِيذَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

نکات مهم درسی:

- ۱- خبر «لَا»ی نفی جنس هرگز بر اسم آن مقدم نمی شود.
- ۲- اسم «لَا»ی نفی جنس از نظر اعراب مبنی بر فتح و محلاً منصوب است، لذا به هیچ وجه تنوین نمی گیرد.
- ۳- اسم «لَا»ی نفی جنس حتماً باید نکره باشد، لذا اسم های معرفه نمی توانند به عنوان اسم «لَا»ی نفی جنس محسوب شوند.
- ۴- در ترجمه‌ی «لَا»ی نفی جنس، از «هیچ ... نیست» استفاده می شود.

✓ عَيْنَ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: (سراسری تپری- ۸۹)

۱. أَلَا كُلَّ شَيْءٍ غَيْرِ اللَّهِ بَاطِلٌ! ۲. لَا أَعْلَمُ أَنَّ أَخِي هَلْ نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ أَمْ لَا!
۳. هُوَ وَأُسْرَتُهُ فَقَرَاءٌ لَا أَغْنِيَاءُ! ۴. لَا عَجَبَ مِنْ أَنَّكَ نَجَحْتَ، لِأَنَّكَ دَرَسْتَ جَيِّدًا!

پاسخ: گزینه‌ی «۴»: حرف «لا» در عبارت «لَا عَجَبَ مِنْ أَنْكَ نَجَحْتَ»، «لا»ی نفی جنس است که «عَجَبَ» اسم آن و مبنی بر فتحه و محلاً منصوب است و «مِنْ أَنْكَ نَجَحْتَ» خبر آن و محلاً مرفوع است.

گزینه‌ی «۱»: حرف «لا» وجود ندارد و حرف «ألا» حرف تنبیه است. / گزینه‌ی «۲»: حرف «لا»ی اول «لا»ی نفی و «لا»ی دوم «لا»ی عطف است. / گزینه‌ی «۳»: حرف «لا» حرف عطف است.

رَبِّهِ هَاي جَرَر مَدْرَسَان جَرَر ©